

رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی

دکتر محمد رضا تمنایی فر^۱، دکتر فریبرز صدیقی ارفعی^۱ و فاطمه سلامی محمدآبادی^{۲*}

چکیده

شناخت عواملی که به پیشرفت تحصیلی و جلوگیری از افت تحصیلی منجر می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. پاره‌ای از مطالعات بیانگر ارتباط مستقیم بین هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی هستند، لیکن بعضی از صاحب‌نظران در خصوص رابطه مستقیم بین آنها تردید دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی انجام شده است. نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی بود که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه هوش هیجانی بار - آن، آزمون خود پنداره راجرز، آزمون عزت نفس پوپ و همچنین، از معدل دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی استفاده شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخصهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج تحلیلی داده‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و خودپنداره دانشجویان دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد، اما میزان عزت نفس دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر است. بنابراین، در بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی نمی‌توان فقط بر سازه‌های روانشناختی مانند هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس تأکید کرد.

کلید واژگان: هوش هیجانی، خود پنداره، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان.

مقدمه

از جمله مهم‌ترین نگرانیهای استادان، مسئولان آموزش دانشگاه و خانواده‌های دانشجویان، پیشرفت تحصیلی^۳ و جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان است (Logan, ۱۹۹۵). نقطه مقابل پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی است که بر اساس مطالعات متعدد تأثیر بسزایی در سرنوشت فرد دارد و همچنین، هزینه گزافی به خانواده و جامعه تحمیل می‌کند (Golshani Foomani, ۱۹۹۶).

در کشور ما این امر از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام آموزشی است و هر ساله ده‌ها میلیارد ریال از بودجه کشور به هدر می‌رود و نیروهای بالقوه و سرمایه‌های جامعه که همان نیروی انسانی است، بی‌ثمر

۱. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد روانشناسی تربیتی

* مسئول مکاتبات: fatemesalami۶۹@yahoo.com

پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۴

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۵

می‌ماند (Golshani Foomani, ۱۹۹۶). پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی اطلاق می‌شود که از طریق آزمونهای فراگیری استاندارد شده یا آزمونهای معلم ساخته اندازه‌گیری می‌شود (Navidi, ۲۰۰۳:۱۰۲). به طور کلی، این اصطلاح به معنای مقدار یادگیری آموزشی فرد است، به طوری که بتوان آنها را در مقوله کلی عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار داد (Soleiman Nejad and Mehraray, ۲۰۰۱:۱۷۶).

بنابراین، توجه به عواملی که به پیشرفت تحصیلی منجر و مانع از آن می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از عواملی که در برخی تحقیقات به آن اشاره شده، هوش هیجانی^۴ است که جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط میان تفکر و هیجان به شمار می‌رود. این اصطلاح اولین بار از سوی مایر و سالووی (Mayer and Solovey, ۱۹۹۷) پیشنهاد شد. به عقیده آنها هوش هیجانی به عنوان توانایی، عبارت از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و مدیریت هیجانها در خود و دیگران است. پس از مایر و سالووی، گاردنر با مدل تأثیرگذار خود به نام «هوش چندگانه» نقش عمده‌ای در شکل‌گیری نظریه هوش هیجانی داشت. بر اساس این نظریه دو نوع عمده هوش وجود دارد: هوش درون فردی و هوش بین فردی. سرانجام، دانیل گلمن در پرفروش‌ترین کتاب سال ۱۹۹۵ به نام هوش هیجانی این مفهوم را به صورت گسترده بیان کرد (Golman, ۱۹۹۵).

در برخی از پژوهشها هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی همبستگی مثبت (Parker et al., ۲۰۰۴) و با رفتارهای خلاف مقررات آموزشی مانند غیبت غیر مجاز و اخراج از کلاس درس همبستگی منفی دارد (Petrides et al., ۲۰۰۴). بر این اساس، مفهوم هوش هیجانی را می‌توان در موقعیتهای آموزشی به کار برد (Bar-on, ۱۹۹۷). یکی از دلایل پرداختن به هوش هیجانی این باور است که هوش هیجانی در برابر مفهوم سنتی هوشبهر پیش‌بینی‌کننده بهتری برای موفقیت‌های اجتماعی به شمار می‌رود (Golman, ۱۹۹۵). افرادی که دارای مهارتهای هیجانی بالا هستند، مهارتهای اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. همچنین، کودکان با مهارتهای هیجانی بالا توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل و استفاده از مهارت حل مسئله دارند که موجب افزایش تواناییهای شناختی آنان می‌شود (Soltanifar, ۲۰۰۷).

مطالعات براکت و سالووی (Brackett and Salovey, ۲۰۰۴)، پیترایدز و همکاران (Petrides et al., ۲۰۰۴)، الیاس و همکاران (Elias et al., ۲۰۰۳)، گومارا و آرسنینو (Gumora and Arsenion, ۲۰۰۳)، ثمری و طهماسبی (Safari and Tahmasbi, ۲۰۰۷) و دهشیری (Dehshiri, ۲۰۰۶) و بشارت و همکاران (Besharat et al., ۲۰۰۶) نشان دهنده رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی است.

بررسی رابطه بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی حیطه‌ای پر چالش است و پژوهشهای شکل گرفته در این موضوع اغلب واجد یافته‌های متناقض‌اند. واتوزسکی و آلساما (Woitazewski and Aalsama, ۲۰۰۴) در پژوهشی بر روی ۳۹ نوجوان تیز هوش از طریق تحلیل رگرسیون دریافتند که هوش هیجانی نقش معناداری در پیشرفت تحصیلی و اجتماعی ندارد. همچنین، نتایج پژوهشی غلامعلی لواسانی و همکاران (Golamali, ۲۰۰۷) Lavasani et al., ۲۰۰۷) لعلی فاز و عسگری (Lalifaz and Asgari, ۲۰۰۸)، کوهسار و همکاران (Koohsar et al., ۲۰۰۸) و سبحانی (Sobhani, ۲۰۰۴) نشان دادند که بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد.

۴. Emotional Intelligence

برودی و هال که در زمینه تفاوت‌های هیجانی میان دخترها و پسرها تحقیق کرده‌اند، اظهار می‌دارند که دخترها بهتر از پسرها واکنش‌های عاطفی را جایگزین جنگ‌های تن به تن می‌کنند و بر عکس، پسرها چون هیچ تأکیدی بر توصیف احساسات خود ندارند، احتمالاً از وضعیت عاطفی خود و دیگران بی‌خبرند (Golman, ۱۹۹۵).

در همین خصوص بشارت و همکاران (Besharat et al., ۲۰۰۶) سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر را بیش از سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر گزارش کردند و نشان دادند که هوش هیجانی ۶۷ درصد واریانس مربوط به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و ۵۹ درصد واریانس مربوط به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر را تبیین می‌کند. اما برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین دختران و پسران در نمره کل هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش سجادی (Sajjadi, ۲۰۰۹)، دینی (Dini, ۲۰۰۵)، ثمری و طهماسبی (Furnham, ۲۰۰۷)، پونتج و همکاران (Poonteng et al., ۲۰۰۳) و فارنهام (Furnham, ۲۰۰۷) نشان دهنده سطح یکسان هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر و پسر است.

بدیهی است که توجه به مهارت‌های هیجانی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ابعاد روانی - شخصیتی مانند خودپنداره^۵ و عزت نفس^۶ منطقی به نظر نمی‌رسد. خود پنداره شامل نگرش‌ها، احساسات و دانش ما در باره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداره تمام ابعاد شناختی، ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را در بر می‌گیرد. خودپنداره بر اساس قضاوت‌های قبلی، ادراکات و بازخوردهای دیگران و افراد مهم در زندگی انسان شکل می‌گیرد و مفهوم و ادراک فرد از توانایی خودش برای یادگیری یکی از انواع پذیرفته شده رفتار تحصیلی و عملکرد از نظر پیشرفت تحصیلی است (Aghajani et al., ۲۰۰۸).

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای خود پنداره بالا تلاش‌های خود را به مثابه شاخص پیشرفت تحصیلی مثبت و تلاش‌های پایین خود را به مثابه پیش‌بین پیشرفت تحصیلی پایین درک می‌کنند (Gerardi, ۲۰۰۵). اما در برخی از پژوهش‌ها نشان داده شده است که بین خودپنداره با پیشرفت تحصیلی ارتباط معنادار وجود ندارد و در بیشتر دانشجویان بین خود واقعی و خود ایده‌آل تطابق وجود ندارد (Dibajnia, ۲۰۰۵).

هاگ و رنزول (Hoge and Renzull, ۱۹۹۳) معتقدند که جنسیت در میزان خودپنداره دانش‌آموزان دختر و پسر اثر معناداری ایجاد نمی‌کند، هر چند که به دلیل اخذ بازخوردهای برابر از محیط (Hosseinasab and Vojdanparast, ۲۰۰۲). بین خودپنداره پسران و دختران تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود.

یکی از عوامل مؤثر دیگر در پیشرفت تحصیلی عزت نفس است. عزت نفس رضایت فرد از خود و احساس ارزشمند بودن است (Branden, ۲۰۰۰)؛ به عبارتی، منظور از عزت نفس آن است که افراد در باره خود چگونه فکر می‌کنند، چقدر خود را دوست دارند و از عملکردشان راضی هستند و به خصوص احساس آنان از نظر اجتماعی و تحصیلی در باره خود چگونه است و میزان هماهنگی و نزدیکی خود ایده‌آل و خود واقعی آنها چقدر است (Hosseini et al, ۲۰۰۷).

در مطالعه‌ای که راس و برا (Ross and Broh, ۲۰۰۰) به منظور بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در باره ۶۴ دانشجو انجام دادند، به یک گروه از دانشجویان نمره واقعی آزمون آنها و به گروهی دیگر ۱۰ نمره پایین‌تر از نمره واقعی آنان اعلام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که عزت نفس و پیشرفت تحصیلی با

۵. Self - concept

۶. Self - esteem

یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. همچنین، در مطالعات دیگری رابطه بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی معنادار و مثبت گزارش شده است (Hosseini et al., ۲۰۰۷; Poorshafei, ۱۹۹۱). تامپسون و انگرلیدر (Thompson and Ungerlider, ۲۰۰۴) عزت نفس دختران را بیش از پسران گزارش کرده‌اند و عامل موفقیت تحصیلی دختران را اعتماد به نفس بیشتر و اضطراب کمتر می‌دانند.

یافته‌های برخی از پژوهشها و مطالعات انجام شده مبین نقش و اهمیت هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس در تبیین پیشرفت تحصیلی است و بر این اساس، در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر آزمون شده است:

۱. بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۲. بین خود پنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۳. بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۴. بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان هوش هیجانی تفاوت وجود دارد.
۵. بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان خود پنداره تفاوت وجود دارد.
۶. بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان عزت نفس تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است که در آن رابطه متغیرها بررسی شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان ($N=6050$) است که در سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸ در مقطع کارشناسی به تحصیل مشغول بوده‌اند. در این پژوهش تعداد ۴۰۰ نفر (حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و کرجسی) دانشجوی زن و مرد به عنوان گروه نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن، پرسشنامه خود پنداره راجرز و پرسشنامه عزت نفس پوپ و همچنین، برای اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی از شاخص معدل استفاده شده است.

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن: این پرسشنامه شامل ۹۰ سؤال است. این آزمون علاوه بر نمره کلی، ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی را نیز می‌سنجد. در تحقیق بار-آن (۱۹۹۷) ضرایب بازآزمایی بعد از یک ماه ۰/۸۵ و بعد از ۴ ماه ۰/۷۵ گزارش شده است. میزان پایایی آزمون به روش زوج - فرد ۰/۸۸ و بر حسب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (Samari and Tahmasbi, ۲۰۰۷).

در کشور ایران، زارع (Zare, ۲۰۰۱) میانگین کل ضریب همسانی درونی پرسشنامه را ۰/۷۶ به دست آورد. همچنین، شمس‌آبادی (Shamsabadi, ۲۰۰۴) ضرایب آلفا را در دامنه بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۳ با میانگین ۰/۷۰ گزارش کرده است. روایی این پرسشنامه با روش تحلیل عاملی اکتشافی در پژوهش دهشیری (۱۳۸۵) محاسبه شد که از بین ۱۳ عامل در ساختار عاملی نمونه آمریکای شمالی، هشت عامل برای آزمودنیهای ایرانی روایی داشت.

آزمون خودپنداره راجرز: این آزمون شامل دو فرم است که در هر دو آنها مجموعه‌ای یکسان از ۲۵ زوج صفت شخصیتی متضاد ارائه شده است که آزمودنی باید در پاسخگویی به فرم اول بر اساس اینکه خود را چگونه می‌بیند، و در فرم دوم چگونه می‌خواهد باشد، توصیف کند. در این آزمون بالا بودن خود پنداره به معنای تطابق نداشتن بین خود واقعی و خود آرمانی است. ضریب پایایی این آزمون در پژوهش آقاجانی و همکارانش

(Aghajani et al., ۲۰۰۸) و پایایی آن به روش کرونباخ برابر ۰/۸۱ گزارش شده است. در پژوهش نوربخش و حسن‌پور (Noorbakhsh and Hassanpoor, ۲۰۰۴) پایایی این آزمون با روش آزمون - مجدد برابر ۰/۸۳، آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۵ محاسبه شده است. همچنین، برای بررسی روایی آن از پرسشنامه خودپنداره بک استفاده شد.

پرسشنامه عزت نفس پوپ: این پرسشنامه در آمریکا توسط آلیس پوپ در ۶ مقیاس عزت نفس عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی و در یک مقیاس دروغ‌سج ساخته شده است. آزمون دارای ۵۷ سؤال است. غفاری و رضائی آزمون پوپ را هنجاریابی کردند. ضریب اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و با روش دو نیمه کردن ۰/۸۶ برآورد شد. آنها روایی آزمون را با روش ساده (همسانی درونی) بین ۵۲ تا ۰/۸۳ گزارش و در ضمن، از روایی عاملی نیز برای تأیید عاملها استفاده کردند (Dibajnia, ۲۰۰۵).

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخصهای آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (ضریب همبستگی و آزمون t) با استفاده از نرم افزار spss استفاده شد. در جدول ۱ میانگینها و انحرافات معیار متغیرهای هوش هیجانی، خودپنداره، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در نمونه کل و بر حسب جنسیت نشان داده شده است. بر اساس جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای هوش هیجانی، خود پنداره، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در نمونه کل به ترتیب ۳۱۷/۷ و ۳۵/۵، ۹/۴، ۳ و ۶۶/۷، ۱۳/۴، ۱۵/۶ و ۱/۷ است. همچنین، یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیرهای هوش هیجانی، خودپنداره، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی برای دانشجویان مرد به ترتیب ۳۱۶/۳ و ۳۵/۶، ۹/۴، ۲/۸ و ۶۴/۹، ۱۳/۴، ۱۵/۲ و ۱/۶ و برای دانشجویان زن به ترتیب ۳۱۹/۱ و ۳۵/۵، ۹/۳، ۳/۱ و ۶۸/۵، ۱۳/۳، ۱۶ و ۱/۷ است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای هوش هیجانی، خودپنداره، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در نمونه کل و بر حسب جنسیت

آماره ها	نمونه کل		مرد		زن	
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	۴۰۰	۳۱۷/۷	۳۵/۵	۲۰۰	۳۱۶/۳	۳۵/۵
خودپنداره	۴۰۰	۹/۴	۳	۲۰۰	۹/۴	۲/۸
عزت نفس	۴۰۰	۶۶/۷	۱۳/۴	۲۰۰	۶۴/۹	۱۳/۴
پیشرفت تحصیلی	۴۰۰	۱۵/۶	۱/۷	۲۰۰	۱۵/۲	۱/۷

به منظور آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۳ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، همبستگی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی $r=0/270$ ، همبستگی خودپنداره و پیشرفت تحصیلی $r=0/001$ و همبستگی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی $r=0/088$ است.

داده‌ها نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲- ماتریس همبستگی پیشرفت تحصیلی، هوش هیجانی، خود پنداره و عزت نفس

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	پیشرفت تحصیلی	۱			
۲	هوش هیجانی	۰/۰۲۷	۱		
۳	خودپنداره	۰/۰۰۱	۰/۴۴۳*	۱	
۴	عزت نفس	۰/۰۸۸	۰/۷۱۹*	۰/۴۷۶*	۱

* $P < 0.01$

به منظور آزمون فرضیه‌های ۴ تا ۶ از آزمون t استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان هوش هیجانی و خودپنداره تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین زنان و مردان از نظر میزان عزت نفس تفاوت معنادار وجود دارد، بدین صورت که عزت نفس زنان بالاتر از مردان است. بر این اساس، می‌توان گفت که فرضیه‌های ۴ و ۵ تحقیق تأیید نمی‌شود و فرضیه ۶ تأیید می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون t دانشجویان زن و مرد در متغیرهای هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس

متغیرها	شاخصهای آماری		مرد		زن	
	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	۳۱۹/۹	۳۵/۵	-۰/۸۰	۳۵/۶	۳۱۶/۲	۳۵/۵
خودپنداره	۹/۳	۳/۱	-۰/۲۴	۲/۸	۹/۴	۳/۱
عزت نفس	۶۸/۵	۱۲/۲	-۲/۷۰	۱۲/۴	۶۴/۹	۱۲/۲

اینکه چه عواملی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، همواره از حیطه‌های مورد علاقه متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان تربیتی بوده است. مطمئناً مجموعه‌ای از عوامل فردی، محیطی یا عوامل شناختی و غیرشناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر می‌گذارد. البته، در هیچ پژوهشی امکان جمع‌آوری و تحلیل همه این متغیرها در کنار هم وجود ندارد. متغیر پیشرفت تحصیلی چند بعدی است و از عوامل متعدد و بی‌شماری تأثیر می‌پذیرد. گسترش پژوهشها و یافته‌های به دست آمده از آنها در سطح آموزش عالی هر گونه تفکر مبتنی بر ساده انگاری برای تبیین پیشرفت تحصیلی را نفی می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر هدف آن بوده است که رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی بررسی و دانشجویان دختر و پسر از نظر متغیرهای مورد نظر مقایسه شوند.

آزمون فرضیه اول (بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد) نشان داد که بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود ندارد. پژوهش حاضر با نتایج پژوهشی غلامعلی لواسانی و همکاران (Gholamali Lavasani et al., ۲۰۰۷)، لعلی فاز و عسگری (Lalifaz and Asgari, ۲۰۰۸)، کوهسار و همکاران (Koohsar et al., ۲۰۰۷) و واتوزسکی و آلساما (Woitaszewski and Aalsama, ۲۰۰۴) مبنی بر اینکه بین نمره‌های کلی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد، هماهنگی دارد. ولی نتایج مطالعه براکت و سالووی (Brackett and Salovey, ۲۰۰۴)، پیترایدز و همکاران (Elias et al., ۲۰۰۴)، پتریدس (Petrides et al., ۲۰۰۴)، پارکر و همکاران (Parker et al., ۲۰۰۴)، الیاس و همکاران (Elias et al., ۲۰۰۴)، گومارا و آرسنینو (Gumora and Arsenion, ۲۰۰۲)، ثمری و طهماسبی (Samari and Tahmasbi, ۲۰۰۷)، دهشیری (Dehshiri, ۲۰۰۶) و بشارت و همکاران (Besharat et al., ۲۰۰۶) که نشان دهنده رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی است، با یافته پژوهش حاضر همخوانی ندارد.

در توضیح و تبیین این یافته گفتنی است که ساختارهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی عمدتاً با عملکردهای شناختی و به خصوص ظرفیتهای حافظه و یادگیری شخصی مرتبط هستند، در حالی که هوش هیجانی بیشتر با موفقیت فرد در روابط بین فردی مرتبط است (Koohsar et al., ۲۰۰۸).

گلمن (Goleman, ۲۰۰۸) معتقد است که هوش تحصیلی ارتباط چندانی با شرایط هیجانی ندارد. با هوش‌ترین انسانها ممکن است در مقابل غرایز و تکانشهای عصبی از پا درآیند و افرادی که دارای هوش‌بهر بالا هستند، ممکن است به طرز حیرت‌آوری زندگی خصوصی خود را به بیراهه هدایت کنند. بنابراین، گرچه عملکرد خوب در زمینه هوش هیجانی می‌تواند پیش‌بینی کننده موفقیت باشد، هوش هیجانی را نمی‌توان تنها مقیاس سنجش پیشرفت تحصیلی دانست و عوامل بسیاری در پیشرفت تحصیلی تأثیرگذارند.

آزمون فرضیه دوم (بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد) نشان داد که بین خود پنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود ندارد. یافته حاضر با نتایج پژوهش دیباج نیا (Dibajnia, ۱۹۹۵) مبنی بر نبود ارتباط معنادار بین خودپنداره با تحصیلات دانشگاهی هماهنگی دارد. ولی تحقیقات حسن‌زاده و همکاران (Hasanzadeh et al., ۲۰۰۵)، مارش (Marsh, ۱۹۹۲) و ریکاردز (Rickards, ۲۰۰۱) مؤید وجود ارتباط بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی است و با پژوهش حاضر همخوانی ندارند.

در توضیح این یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت که پیشرفت تحصیلی به عنوان یک رفتار آموزشی تحت تأثیر خودپنداره کلی فرد است و عوامل فردی مانند جنسیت، سن، پایه تحصیلی، تجارب قبلی [که تحت کنترل پژوهشگر نبوده است] ممکن است در میزان ارتباط بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی مؤثر باشد (Hasanzadeh et al., ۲۰۰۵: ۶).

آزمون فرضیه سوم (بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد) نشان داد که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود ندارد. با توجه به مبانی نظری و تحقیقاتی که مؤید ارتباط بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی (El-Anzi, ۲۰۰۵; Ross and Broh, ۲۰۰۰; Poorshafei, ۱۹۹۱; Ghaffari and

(Ramezani, ۱۹۹۴; Biabangard, ۱۹۹۵) است، در تبیین این یافته پژوهش حاضر شاید بتوان به تأثیر ابزار مورد استفاده در این پژوهش اشاره کرد. در تحقیقات پیشین که ارتباط بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی تأیید شده است، از آزمون عزت نفس کوپر اسمیت، در حالی که در پژوهش حاضر از آزمون عزت نفس پوپ استفاده شده است. علاوه بر این، احتمالاً همگن بودن گروه نمونه در معنادار نبودن رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نقش داشته است.

آزمون فرضیه چهارم (بین دانشجویان زن و مرد در میزان هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد) نشان داد بین زنان و مردان در نمره کلی هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با نتایج پژوهش دینی (Dini, ۲۰۰۵)، ثمری و طهماسبی (Samari and Tahmasbi, ۲۰۰۷)، سجادی (Sajjadi, ۲۰۰۹) و آقاجانی و همکاران (Aghajani et al., ۲۰۰۸)، زارع (Zare, ۲۰۰۱)، پونتج و همکاران (Poonteng et al., ۲۰۰۳) و فانهام (Furnham, ۲۰۰۰) همسوست.

همچنین، پژوهش حاضر نشان داد با اینکه در نمره کلی هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد، زنان در مؤلفه‌های خوشبختی، روابط بین فردی، کنترل تکانش، مسئولیت‌پذیری و همدلی نمرات بیشتری کسب کرده‌اند. این نتایج با نتایج پژوهش دینی (Dini, ۲۰۰۵) همسوست که نشان‌دهنده تفاوت بین زنان و مردان در خرده مقیاسهای هوش هیجانی است، اما در نمره کلی هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

در همین زمینه پژوهش ثمری و طهماسبی (Samari and Tahmasbi, ۲۰۰۷) نشان داد بین دانشجویان زن و مرد در خرده مقیاسهای (احساس خوشبختی و استقلال) هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد، اما در نمره کلی هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد. سجادی (Sajjadi, ۲۰۰۹) میان نمره کل هوش هیجانی زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده نکرد، اما گزارش کرد که در خرده مقیاسهای مسئولیت‌پذیری، همدلی، روابط بین فردی و واقع‌گرایی نمرات دانشجویان زن بیش از دانشجویان مرد است.

یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بشارت و همکاران (Besharat et al., ۲۰۰۶)، دهشیری (Dehshiri, ۲۰۰۶) و مؤمنی (Momeni, ۲۰۰۹) که سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر را بیش از سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر گزارش کرده‌اند، همسو نیست.

در تبیین این مطلب شاید بتوان علت تفاوت دختران و پسران را در برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی به نوع تأثیر محیط و فرهنگهای مختلف در هوش هیجانی نسبت داد. همان‌طور که می‌دانیم، هوش هیجانی بر خلاف هوش شناختی که تحت تأثیر وراثت است، بیشتر تحت تأثیر عامل محیط قرار دارد و اکتسابی و قابل آموختن و یادگیری است. به همین دلیل، می‌توان اختلاف در دو جنسیت در بعضی از مؤلفه‌های هوش هیجانی را ناشی از تصورات و انتظارات جوامع و فرهنگهای مختلف در خصوص تواناییهای مربوط به هوش هیجانی در دو جنسیت دانست. در حال حاضر، حضور فعال زنان در عرصه‌های محیطی و فرهنگی احتمالاً باعث شده است که آنان هم به اندازه مردان از امکانات محیطی و فرهنگی برخوردار شوند و تفاوت‌های ممکن بین دو جنسیت به حداقل خود کاهش یابد (Sajjadi, ۲۰۰۹).

آزمون فرضیه پنجم (بین دانشجویان زن و مرد در میزان خودپنداره تفاوت معنادار وجود دارد) نشان داد که بین دانشجویان زن و مرد از نظر میزان خودپنداره تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته حاضر با نتایج پژوهش هاگ و

رنزولی (Hoge and Renzulli, ۱۹۹۳) و فلدهاسن و نیمولوس (Feldhusen and Nimolos, ۱۹۹۲) مبنی بر اینکه خود پنداره زنان و مردان تفاوت معناداری ندارند، همخوانی دارد.

هاگ و رنزولی (Hoge and Renzulli, ۱۹۹۳) نشان دادند که جنسیت در میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر اثر معناداری ایجاد نمی‌کند، هر چند که در خود پنداره پسران و دختران تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. در شکل‌گیری نگرشها و خود پنداره عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی ممکن است در دختران و پسران تفاوت‌هایی را به وجود آورد. به عقیده هورنر دختران در مقایسه با پسران از ادراک خود و خودپنداره پایین‌تری برخوردارند و این تفاوت ناشی از تصورات قالبی و غلط فرهنگ و اجتماع است (Hasanzadeh et al., ۲۰۰۵). شاید یکی از دلایل نبودن ارتباط بین خودپنداره و جنسیت اخذ بازخوردهای برابر از محیط باشد، بدین معنا که فواصل فرهنگی و قومی گذشته کمتر وجود دارد و سعی می‌شود با دختران و پسران با نگرش مساوی برخورد شود (Hosseinasab and Vojdanparas, ۲۰۰۲).

آزمون فرضیه ششم (بین دانشجویان زن و مرد در میزان عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد) نشان داد که دانشجویان زن و مرد از نظر میزان عزت نفس تفاوت معناداری دارند، بدین صورت که عزت نفس زنان بیش از عزت نفس مردان است. یافته حاضر با نتایج پژوهش تامپسون و انگلریدر (Thompson and Ungerlider, ۲۰۰۴) همخوانی دارد و با نتایج تحقیقات پورشافیعی (Poorshafei, ۱۹۹۱)، حسینی طباطبائی و قدیمی مقدم (Joseph, ۲۰۰۷) و (Hosseini Tabatabaei and Ghadimi Moghaddam, ۲۰۰۷)، جوزف، مارکوس و تفردی (Markus and Tafarodi, ۱۹۹۲) و وستاز و کوهن (Westhves and Choen, ۱۹۹۷) مطابقت ندارد. کوپر اسمیت (۱۹۶۹) منابع اعتماد به نفس را شامل احساس قدرت، مهم بودن در زندگی، پایبندی به آداب و قوانین اجتماعی و اخلاقی و بالاخره، موفقیت در روابط اجتماعی، تحصیلی و ... می‌داند. از آنجا که اعتماد به نفس از هر یک از این چهار منبع دست‌یافتنی است، بدیهی است به طور یکسان در همه دختران و پسران وجود ندارد (Hosseini Tabatabaei and Ghadimi Moghaddam, ۲۰۰۷).

بسیاری از روانشناسان اجتماعی عقیده دارند که اساساً «مفهوم خود» مردان و زنان متفاوت است. مردان در جریان خود تعریفی بیشتر بر منحصر به فرد بودن تأکید دارند، در حالی که طحواره «خود» زنان بیشتر بر ارتباط و بستگی داشتن با دیگران تأکید دارد. بنابراین، مردان با عزت نفس بالا خود را بیشتر جدای از دیگران می‌بینند، در حالی که زنان با عزت نفس بالا قدرت خود را در ارتباط با دیگران می‌بینند (Joseph, Markus and Tafarodi, ۱۹۹۲).

بنابراین، با توجه به یافته‌های به دست آمده چنین به نظر می‌رسد که در بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی نمی‌توان فقط بر سازه‌های روانشناختی مانند هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس تأکید کرد، بلکه احتمالاً تعامل آنها با متغیرهای دیگری همچون عوامل جمعیت‌شناختی (رتبه تولد، حجم خانواده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تحصیلات والدین و شغل والدین) می‌تواند پیش‌بینی‌کنندگی را افزایش دهد (Black et al., ۲۰۰۵; Gonly, ۲۰۰۵).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که امروزه، بسیاری از محققان معتقدند که اگر فرد از نظر هیجانی توانمند باشد، بهتر می‌تواند با چالش‌های زندگی مواجه شود و می‌توان گفت که توانش‌های هیجانی در تشخیص پاسخ‌های هیجانی مناسب در مواجهه با رویدادهای روزمره، گسترش دامنه بینش و ایجاد نگرش مثبت در باره وقایع و هیجانات نقش

مؤثری دارند. بنابراین، افرادی که مهارت‌های هیجانی دارند، از حمایت اجتماعی، احساس رضایتمندی، سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی برخوردارند (Koohsar et al., ۲۰۰۸: ۱۰۶).
 امروزه، پژوهشگران با توسل به تئوری هوش هیجانی و اجتماعی درصدد تبیین موفقیت تحصیلی و شغلی هستند (Bar-on, ۱۹۹۵; Gardner, ۱۹۸۳; Mayer and Salovey, ۱۹۹۹; Goleman, ۱۹۹۵ Cited by Bar-on, ۲۰۰۰). چنانچه برای آموزش و ارتقای سطح هوش هیجانی در جمعیت دانشجویان سرمایه‌گذاری شود، در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر واقع خواهد شد.

References

۱. Aghajani, Seyfollah, Mohammad Narimani and Maryam Asiaei (۲۰۰۸); "The Comparative Study of Emotional Intelligence and Self – concept of Normal and Gifted Students"; *Research on Exceptional Children*, Vol. ۸, No. ۳, pp. ۳۱۷-۳۲۳ (in Persian).
۲. Bar-on, R.(۱۹۹۷); "A Measure of Emotional and Social Intelligence in Chicago"; *Canadian Journal of Behavioral Science*, Vol. ۱۸, pp. ۱۲۳- ۱۳۷.
۳. Bar-on, R.(۲۰۰۰); *The Handbook of Emotional Intelligence*; To Ssey-Bass, Wile Company, Sanfrancisco.
۴. Besharat, Mohammad Ali, Behzad Shalchi and Hamid Shamsipoor (۲۰۰۶); "The Study of Relationship Emotional Intelligence with Academic Achievement of Students"; *The Quarterly Journal of New Educational Thoughts*, Vol. ۲, No. ۳-۴, pp. ۷۳-۸۵(in Persian).
۵. Biabangard, Esmacil (۱۹۹۵); *The Methods of Enhancement of Self – esteem in Children and Adolescents*; Tehran: The Council of Parents and Educators(in Persian).
۶. Black, S., X.P.J. Devereu and G. Salvans (۲۰۰۵); "The More the Merrier? The Effect of Family Composition on Children's Education"; *Quarterly Journal of Econmics*, Vol. ۱۲۰, No. ۲, pp. ۶۶۹- ۷۰۰.
۷. Brackett, M. A. and P. Salovey (۲۰۰۴); Measuring Emotional Intelligence with Mayer-salovey Caruso Emotional Intelligence Test (MSCEIT); In Gien Geher(Eds); *Measuring Emotional Intelligence: Common Jround and Controversy*; Hauppauge NY: Nove Science Publishers.
۸. Branden, Nathaneil (۲۰۰۰); *The Psychology of Self – esteem*; Translated by Mahdi Gharachedaghi, Tehran: Nakhostin Emission (in Persian).

۹. Conely, D. and R. Glauber (۲۰۰۵); "Parental Educational Investment and Children's Academic Risk: Estimates of the Impact of Sib Ship Size and Birth Order from Exogenous Variation in Fertility"; *National Bureau of Economic Research, Working Paper* ۱۱۳۰۲.
۱۰. Dehshiri, Gholamreza (۲۰۰۶); "The Relationship between Emotional Intelligence with Academic Achievement of Students"; *Counseling Researchs And Recents*, Vol. ۵, No. ۱۸, pp. ۹۷-۱۰۶ (in Persian).
۱۱. Dibajnia, Parvin (۲۰۰۵); "The Comparative Study of First Grade University Students to Fourth Grade of Rehabilitation Faculty of Shahid Beheshti University"; *Research In Medicine*, Vol. ۲۹, No. ۳, pp. ۲۳۱-۲۳۴ (In Persian).
۱۲. Dini, Faezeh (۲۰۰۵); The Relationship between Academic Achievement and Copying Styles with Emotional Intelligence among Students of Azzahra University; The Master of Art Dessertasion; Iran Dessertasions Abstracts (in Persian).
۱۳. El. Anzi, Freih Owayed (۲۰۰۵); "A Cademic Achievemt and its Relation Ship with Anxiety, Self- esteem, Optimism, and Pessimism in Kuwaiti Students"; *Soc Behoav*, Vol. ۳۳, No. ۱, pp. ۹۰- ۹۵.
۱۴. Elias, M. J., M. Gara and B. Schuyere (۲۰۰۳); "The Promotional of Social Competence: Longitudinal Study of Aprevontive School- based Program"; *American Journal of Orthopsychiatry*, Vol. ۶۱, pp. ۴۰۹ - ۴۱۷.
۱۵. Feldhusen , J. F. and A. L. Nimolos (۱۹۹۲); "Exploratory Study of Self- Concept and Depression Emong the Gifted"; *Educational International*, Vol. ۸, P. ۱۳۸.
۱۶. Furnham, A. (۲۰۰۰); "Gender Differences in Measured and Self-estimated Trait Emotional Intelligence"; *Sex Roles: A Journal of Research*, Vol. ۴۲, pp. ۴۴۹- ۴۶۱.
۱۷. Gerardi, S. (۲۰۰۵); "Self- concept of Ability as Predictor of Academic Success among Urban Technical College Students"; *The Social Science Journal, Journal of Educational Psychology*, Vol. ۴۲, pp. ۲۹۵ - ۳۰۰.
۱۸. Ghaffari, Abolfazl and Khosro Ramezani (۱۳۷۳); "Standardized of Ellis Pop Adolscents and Children Self - esteem Five Scales Testfor Tehran

- High School Students”; The Master of Art Dessertation; Allameh Tabatabaei Psychology and Education Sciences Faculty(in Persian).
۱۹. Gholamalilivasani, Masoud, Mohammad Keyvanzadeh and Hedyeh Keyvanzadeh(۱۳۸۶); “The Relationship among Academic Activity Achievement Motive, Emotional Intelligence and Context Variables with Academic Achievement of Students”; *The Journal of Psychology and Education Sciences*, Vol. ۳۷. No.۱, pp. ۹۹-۱۳۳(in Persian).
۲۰. Goleman, D. (۱۹۹۵); *Emotional Intelligences: The Theory in Practice*; Newyourk: Basic Book.
۲۱. Golshani Foomani, Mohammad Rasoul (۱۹۹۶); *Instructio and Education Society*; Tehran : Shifteh (in Persian).
۲۲. Gumora, G. and F. Arsenion (۲۰۰۲); “Emotionality, Emotion Regulation, and School Performance in Middle School Children”; *Journal of School Psychology*, Vol. ۴۰, No. ۵, pp. ۳۹۵ – ۴۱۳.
۲۳. Hassanzade, Ramezan, Sayyed Hamzeh Hosseini and Zobeydeh Moradi (۲۰۰۵); “The Relationship between General Self – concept and Academic Function of Students”; *Knowledge and Research In Psychology of Khorasan Azad University*, No. ۲۴, pp. ۱-۱۸ (in Persian).
۲۴. Hoge, R. D. and I. J. S.Renzull (۱۹۹۳); “Exploring the Link between Giftedness and Self- concept”; *Review of Education Research*, Vol. ۶۳, pp. ۴۴۹- ۴۶۵.
۲۵. Hosseini Tabatabaei, Fuzieh and Malekmohamm Ghadimi Moghaddam (۲۰۰۷); “The Study Reseans of Girls’ Academic Achievement Compare to Boys in Razavi, Northern and Southern Khorasan”; *Knowledge and Research In Educational Sciences*, Vol. ۱۵, pp. ۱۱۹-۱۴۷ (in Persian).
۲۶. Hosseini, Mohammad Ali, Mahmood Dejkam and Jila Mirlashari, (۲۰۰۷); “The Correlation between Self – esteem and Academic Achievement in Rehabilitation Students in Tehran University of Social Welfare and Rehabilitation”; *The Iranian Journal of Education In Medicine*, Vol. ۷, No .۱, pp. ۱۳۷-۱۴۲ (in Persian).
۲۷. Hosseininasab, Syyeddavoud and Hossein Vojdanparast(۲۰۰۲); “The Study of Relationship of Self – esteem with Academic Achievement of

- Basic Sciences and Human Sciences Students in Teacher Students Centers”; *Litrature And Human Sciences Publication(Tabriz)*, Vol. ۴۵, No. ۱۸۳-۱۸۴, pp. ۱۰۱-۱۲۶ (in Persian).
۲۸. Joseph, R., H. R. Markus and R. W. Tafarodi (۱۹۹۲); “Gender and Self-esteem”; *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. ۶۳, No. ۳, pp. ۳۹۱-۴۰۲.
۲۹. Koohsar, Aliakbar, Rasoul Roshan and Aliasghar Asgharnejad (۱۳۸۶); “The Comparative Study of the Relationship between Emotional Intelligence with Mental Health and Academic Achievement in Shahed and Non – shahed Students of Tehran University”; *The Journal of Psychology and Education Sciences*, Vol. ۳۷, No. ۱, pp. ۹۷-۱۱۱ (in Persian).
۳۰. Lalifaz, Ahmad and Abbas Asgari (۲۰۰۸); “The Ability of Emotional Intelligence and Demographic Variables Prediction in Gifted Students Academic Achievement”; *Psychology and Education Studies of Mashhad University*, Vol. ۹, No. ۱, pp. ۱۶۷-۱۸۱ (in Persian).
۳۱. Logan, Andre (۱۹۹۵) *Acadaemic Failures: Cognition and Compensation*; Translated by Razavishoja, Mashhad: Astan Ghods Razavi (in Persian).
۳۲. Marsh, H. (۱۹۹۲); “Conten Specificity of Relation between Academic Achievement and Adcademic Self- concept”; *Journal of Educational Psychology*, Vol. ۸۴, No. ۱, pp. ۳۵ – ۹۲.
۳۳. Mayer, J. D. and P. Salovey (۱۹۹۷); What is Emotion Intelligence? In P. Salovey and D.J. Sluyter (Eds.); *Emotional Development and Emotional Intelligence: Educational Implications*; Newyork, USA, Basic Books pp. ۳-۳۱.
۳۴. Momeni Karimvandi, Morad (۲۰۰۹); “The Comparative Study of Critical Thinking and Emotional Intelligence in Normal and Gifted Students of Kashan High School Students in ۱۳۸۷-۱۳۸۸”; The Master of Art Dessertasion, Kashan University (in Persian).
۳۵. Navidi, Ahad (۲۰۰۳); “The Significant Study of Common and Special of Former Academic Function Variables Academic Self – concept and General Intelligence in Academic Achievement Prediction of Students”; *The Quarterly Journal of Education*, No. ۷۶, pp. ۹۷-۱۲۹ (in Persian).

۳۶. Noorbakhsh, Parivash and Ghobad Hssanpoor (۲۰۰۴); "The Comparative Study of Self – esteem and Self – concept of Ahvaz High Schools Athlete and Non–athlete Boys and their Relations with Academic Achievement"; *Movement*, No. ۲۱, pp. ۱۹-۳۲ (in Persian).
۳۷. Parker, J. D. A., L. J. Summerfeldt, M. J. Hogan and S. A. Majeski (۲۰۰۴); "Emotional Intelligence and Academic Success: Examing the Trasistion from High School to University"; *Personality and Individual Differences*, Vol. ۳۶, pp. ۱۶۳- ۱۷۲.
۳۸. Petrides, K.V., N. Frederickson and A. Furnham (۲۰۰۴); "The Role of Trait Emotional Itelligence in Academic Performance and Deviant Behavior at School"; *Personality and Individual Differences*, Vol. ۳۶, pp. ۲۷۷ – ۲۳۹.
۳۹. Poonteng, Tatt et al. (۲۰۰۳); "Emotional Intelligence Predict Unique Variance in Life Satisfaction Beyond IQ and Personality"; *Personality and Individual Differences*, Vol. ۳۸, pp. ۱۳۵۳ – ۱۳۶۴.
۴۰. Poorshafei, Hadi (۱۹۹۱); The Study of Relationship Self – esteem with Academic Achievement of Third Grade High School Students in Ghaen; The Master of Art Dessertasion of Tarbiat Moallem University (in Persain).
۴۱. Rickards, A. (۲۰۰۱); "Cognition, Academic Progress, Bahvior and Self-Concept at ۱۴ years of very Low Birth Weight Children"; *Journal of Developmental Behavioral Pediatrics*, Feb., pp. ۱-۱۵.
۴۲. Ross, C. E. and B. A. Broh (۲۰۰۲); "The Roles of Self –esteem and the Seconçe of Oersonal Control in the Academic Achievement Process"; *Sociology of Education*, Vol. ۷۳, No. ۴, pp. ۲۷۰ –۲۸۴.
۴۳. Sajjadi, Somayeh (۲۰۰۹); The Study of Emotional Intelligence Status among University Students with Purpose of Curriculum Amendment of Higher Education; The Master of Dessertasion, Kashan University.
۴۴. Samari, Ali Akbar and Fahimeh Tahmasbi (۲۰۰۷); "The Study of Emotional Intelligence and Academic Achievement in University Students"; *The Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health*, Vol. ۹, No. ۳۵, pp. ۱۲۱- ۱۲۸ (in Persian).

۴۵. Shamsabadi, Rouhollah (۲۰۰۴); Standardized and Emotional Structure of Bar – on Emotional Intelligence Questionnaire in High School Students of Mashhad; The Master of Art Dessertasion, Tehran Psychiatry Institute (in Persian).
۴۶. Sobhani, Roya (۲۰۰۴); The Study of Emotional Intelligence and Hardiness with Academic Achievement; The Master of Art Dessertation, Islamic Azad University of Sciences and Researches (in Persian).
۴۷. Soltanifar, Atefeh (۲۰۰۷); “The Emotional Intelligence”; *The Quarterly Journal Of Fundamental Mental Health*, Vol. ۹, No. ۳۵, pp. ۸۳-۸۴ (in Persian).
۴۸. Thompson, T. and CH. Ungerlider (۲۰۰۴); “Students Achieve better in Single Sex Schools, Researchers for the Canadian Center for Knowledge, Single Sex Schoding- final Report November; [http// www. Cmec. Cal stats/ single gender. En. Pdf](http://www.Cmec.Calstats/singlegender.En.Pdf).
۴۹. Westhves, A. and J. S. Cohen (۱۹۹۷); “A Comparison of the Adyptment of Adolescent and Young Aduit Inter- contry Adoptess and their Siblings”; *International Journal of of Behavioral Development*, Vol. ۲۰, No.۱, pp. ۴۷-۶۵.
۵۰. Woitaszewski, S. A. and M. C. Aalsama (۲۰۰۴); “The Contribution of Emotional Intelligence to Social and Academic Success of Gifted Adolescence and Measured by the Multifactor Emotional Intelligence Scale”; *Roper Review*, Vol. ۲۷, pp. ۳۰- ۴۵.
۵۱. Zare, Mohsen (۲۰۰۱); The Study of Emotional Intelligence Contribution in Academic Achievement; The Master of Dessertation, Tehran Psychiatry Institute (in Persian).